■ دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵ ■ ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ ■ ۲ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۶ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق

۲

# قیمت خودرو در دولت پزشکیان ۴ برابر شد

**قیمت خودروهای تولید داخل و مونتاژی در بازار از ابتدای دولت پزشکیان تاکنون ۴ برابر شده است. این در حالی است که پزشکیان در زمان انتخابات انتقادات زیادی از وضعیت بازار خودرو مطرح می‌کرد!**

| قیمت‌ها به میلیون تومان | پایان دولت سیزدهم | آبان ۱۴۰۵ | درصد رشد |
|---|---|---|---|
| ساپیا ۱۵۱ | ۳۲۲ | ۱۵۶۰ | ۳۸۴ |
| آریسان | ۴۴۰ | ۲۰۹۰ | ۳۷۵ |
| ساینا S دوگانه سوز | ۴۲۴ | ۱۹۸۰ | ۳۶۷ |
| ساپیا ۱۵۱ لاینر | ۳۳۷ | ۱۵۷۳ | ۳۶۷ |
| شاهین دستی (سانروف) | ۶۹۶ | ۳۱۲۰ | ۳۴۸ |
| تارا اتوماتیک وی ۴ | ۹۳۴ | ۴۱۵۰ | ۳۴۴ |
| آریزو ۶ پرو | ۱۶۰۵ | ۷۱۰۰ | ۳۴۲ |
| هایما S۸ | ۱۷۷۵ | ۷۸۵۰ | ۳۴۲ |
| دنا پلاس اتوماتیک | ۹۴۹ | ۴۱۶۰ | ۳۳۸ |
| جک جی ۷ | ۱۵۸۰ | ۶۸۲۰ | ۳۳۲ |
| جک جی ۴ | ۷۶۰ | ۳۲۷۵ | ۳۳۱ |
| ساینا اس | ۴۱۷ | ۱۷۶۰ | ۳۲۲ |
| هایما S۵ | ۱۴۵۰ | ۶۱۰۰ | ۳۲۱ |
| شاهین اتوماتیک G | ۸۱۰ | ۳۴۰۰ | ۳۲۰ |
| هایما S۷ | ۱۵۷۵ | ۶۶۰۰ | ۳۱۹ |
| سورن ایکس یو پی ۷ | ۵۹۷ | ۲۵۰۰ | ۳۱۹ |
| کوییک آر اس | ۴۱۸ | ۱۷۵۰ | ۳۱۹ |
| چانگان اس ۳۵ تیپ ۲ | ۱۵۱۷ | ۶۳۵۰ | ۳۱۹ |
| کوییک جی. ایکس. ال | ۴۲۲ | ۱۷۶۰ | ۳۱۷ |
| کوییک GXR-L | ۴۳۴ | ۱۸۱۰ | ۳۱۷ |
| پژو ۲۰۷ دنده‌ای پانوراما | ۷۸۴ | ۳۲۶۰ | ۳۱۶ |
| جک ایکس ۵ | ۱۶۱۶ | ۶۷۰۰ | ۳۱۵ |
| کوییک اس | ۴۲۰ | ۱۷۳۰ | ۳۱۲ |
| تیگو ۷ پرمیوم | ۱۹۵۰ | ۸۰۰۰ | ۳۱۰ |
| پژو ۲۰۷ اتوماتیک پانوراما | ۱۰۱۲ | ۴۱۵۰ | ۳۱۰ |
| ساینا اتوماتیک | ۵۰۸ | ۲۰۷۰ | ۳۰۷ |
| تارا دستی وی ۱ | ۷۵۳ | ۳۰۵۰ | ۳۰۵ |
| جک تی ۸ | ۱۶۱۵ | ۶۵۲۰ | ۳۰۴ |
| فیدلیتی | ۱۹۴۰ | ۷۷۲۰ | ۲۹۸ |
| دنا پلاس دنده‌ای - شش دنده | ۷۸۷ | ۳۱۳۰ | ۲۹۸ |
| وانت زامیاد | ۵۹۰ | ۲۳۴۵ | ۲۹۷ |
| تیگو ۸ پرومکس | ۲۹۱۰ | ۱۱۵۰۰ | ۲۹۵ |
| وانت زامیاد گازسوز | ۶۳۳ | ۲۵۰۰ | ۲۹۵ |
| هایما X۷ | ۱۷۴۵ | ۶۸۰۰ | ۲۹۰ |
| رانا پلاس | ۶۱۶ | ۲۳۹۰ | ۲۸۸ |
| سورن پلاس دوگانه‌سوز | ۷۶۹ | ۲۹۸۰ | ۲۸۸ |
| پژو ۲۰۷ دنده‌ای هیدرولیک | ۷۲۹ | ۲۸۱۰ | ۲۸۵ |
| چانگان اس ۳۵ تیپ۳ | ۱۶۵۰ | ۶۳۵۰ | ۲۸۵ |
| دیگنیتی پرستیژ | ۲۳۳۰ | ۸۹۵۰ | ۲۸۴ |
| پژو ۲۰۷ با موتور تی.یو۳ | ۶۶۰ | ۲۵۱۰ | ۲۸۰ |
| دیگنیتی پرایم | ۱۸۵۰ | ۷۰۰۰ | ۲۷۸ |
| فیدلیتی پرستیژ | ۲۳۸۰ | ۸۹۵۰ | ۲۷۶ |
| لاماری | ۲۱۳۰ | ۷۸۰۰ | ۲۶۶ |
| وانت کاپرا | ۱۱۲۰ | ۴۱۰۰ | ۲۶۶ |
| پیکاپ فوتون | ۲۵۹۰ | ۹۴۰۰ | ۲۶۳ |
| ایکس ۵۵ پرو | ۱۴۸۵ | ۵۳۰۰ | ۲۵۷ |
| ام وی ام X۲۲ پرو دنده‌ای | ۹۴۴ | ۳۳۰۰ | ۲۵۰ |
| فونیکس اف ایکس | ۲۱۹۵ | ۷۶۵۰ | ۲۴۹ |
| چانگان اس ۵۵ | ۲۱۹۰ | ۷۵۳۰ | ۲۴۴ |
| اطلس | ۵۳۸ | ۱۸۳۰ | ۲۴۰ |
| آریزو ۵ نیو | ۱۳۶۰ | ۴۲۷۰ | ۲۱۴ |
| **میانگین** | **۱۱۸۲** | **۴۶۷۳** | **۳۰۴** |




۲

## هزینه تبلیغات شستا طی دو سال ۳ برابر شد

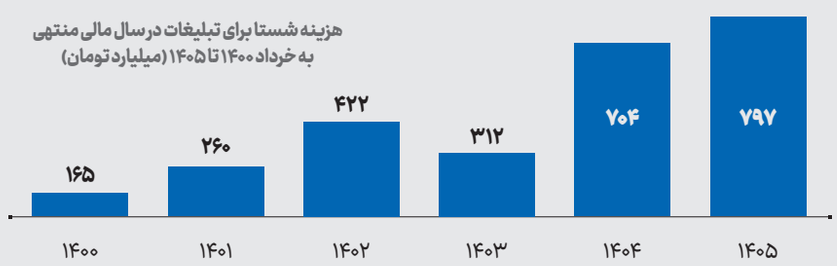
# هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به چه کسانی داده شد؟



طبق اطلاعات صورت مالی گروه شستا، این شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی در سال مالی منتهی به خرداد ۱۴۰۵ حدود ۷۹۷ میلیارد تومان برای تبلیغات هزینه کرده که این رقم معادل ۲٫۶ برابر رقم سال ۱۴۰۳ است. طبق اطلاعات صورت مالی، طی دو سال اخیر شستا، هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای تبلیغات هزینه کرده است.

هزینه، هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی شستا برای تبلیغات در حالی است که تقریبا بخش عمده صنایع و محصولات این گروه در صنعت پالایش، پتروشیمی، لاستیک، روغن، دارو، سیمان و غیره بازار انحصاری و شبه‌انحصاری داشته و نیازی به صرف هزینه برای تبلیغات ندارد. به گفته فعالان کارگری، ازآنجایی که مالک واقعی دارایی‌های سازمان تامین اجتماعی، کارگران و بازنشستگان این سازمان هستند، ضروری است نهادهای نظارتی همچون دیوان محاسبات و سازمان بازرسی به این هزینه‌های بی حساب‌وکتاب از جیب کارگران توسط شستا ورود کنند.

هزینه شستا برای تبلیغات در سال مالی منتهی به خرداد ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ (میلیارد تومان)



چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۶



### غلبه بر دشمن متجاوز و مسلّح با هوشیاری و ایستادگی ملّی

## پیام به مناسبت سالروز عملیات ذوالفقاری در آبادان

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در پیامی به مناسبت سالروز عملیات ذوالفقاری و حماسهٔ مردمی بیرون راندن متجاوزان بعثی از جزیرهٔ آبادان، با تبیین عوامل فتح و پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس، هوشیاری مردم، ایمان و انگیزهٔ الهی، فداکاری و جان‌فشانی نیروهای مردمی و ایستادگی غیورمردانهٔ آنان در کنار سلحشوری ارتش و سپاه را رمز غلبه بر دشمن متجاوز و مسلّح دانستند.

متن کامل این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

۹آبان‌ماه، سالروز حماسهٔ مردمی و عملیات سلحشورانهٔ رزمندگان اسلام علیه متجاوزان بعثی و بیرون راندن آنان از جزیرهٔ آبادان، تنها چهل روز پس از آغاز جنگ تحمیلی اوّل در سال ۱۳۵۹ است.

این حماسهٔ مهم که اوّلین ظفر ملّت ایران در دفاع مقدّس هشت‌ساله محسوب می‌شود و کمتر در موردش گفته شده است، به‌عنوان عملیات ذوالفقاری نام‌گذاری شده و درس‌های بســـیاری در مقابله با دشمنان و متجاوزان به میهن اسلامی‌مان در همهٔ زمان‌ها دارد.

آن روزها حاکم مستبدّی بر عراق فرمان می‌راند که نسبت صحیحی با عقاید و سنن ایشان برقرار نمی‌نمود و برخلاف مرام ملّت کریم عراق که به‌حق با مردم ایران نسبت برادری دارند، تصوّر می‌کرد با طرح بعضی شعارها و ادعاهای پوچ می‌تواند رابطهٔ عمیق دو ملّت، که پیشینه‌ای متّکی بر مکتب و مودّت نسبت به خاندان عصمت و طهارت صلوات‌الله و سلامه علیهم اجمعین دارد را از هم بگسلد. دشمن بعثی، آن روزها نیز همچون دشمنِ امروز، از شیوه‌های متداول تجاوز، اشغالگری و محاصره استفاده کرد و راه مقابلهٔ مؤثّر و پیروزی بر نقشهٔ شوم او نیز هوشیاری مردم و نیروهای جان‌فدا و ایستادگی غیورمردانهٔ آن‌ها در کنار سلحشوری دلاوران ارتش و سپاه بود.

آن روز، یک کارگر ساده و غیور ایرانی با فداکاری و ازجان‌گذشتگی، مردم را از نقشهٔ شوم دشمن آگاه کرد و جمعی از نیروهای مردمی و اهالی مساجد آن منطقه، با ایمان و انگیزهٔ الهی و حدّاقلّ امکانات و با هدایت امام جمعهٔ مجاهد و فداکار آبادان، عالم عامل و شجاع، مرحوم آیت‌الله جمی رحمة‌الله علیه، در میدان مبارزه حاضر شدند.

این حرکت مردمی، دشمن متجاوز و مسلّح به سلاح‌های پیشرفته را پشیمان کرد و دیری نگذشت که زنجیره‌ای از اقوام گوناگون ملّت ایران، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، برای دفاع از مرزهای ایران اسلامی منسجم گردید تا آنگاه که کمتر از یک سال بعد، شکست حصر آبادان به لطف الهی و با فرمان امام امّت قدّس سرّه الشّریف محقّق شد.

و امروز نیز همان هوشیاری و ایمان، همان انگیزه و اراده، همان فداکاری و جان‌فدایی و همان غیرت و ایستادگی است که تحت عنایات حضرت حق جلّ‌وعلا و توجّهات سرورمان عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشّریف، یاری‌کنندهٔ ملّت مظلوم و مقتدر ایران در مواجهه با سلطه‌گری، جنایت و تجاوز شیطان بزرگ و رسیدن به ظفر در جنگ تحمیلی سوّم است.

«وَما النَّصرُ إلّا مِن عِندِ اللهِ العَزیزِ الحَکیمِ.»

**سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای**
**۹/آبان/۱۴۰۵**

## رویه بانک مرکزی در شناسایی اموال مازاد نیازمند بازنگری است

برنامه هفتم ضرورت نگهداری دارایی برای انجام حرفه بانکداری را معیار تشخیص اموال مازاد قرار داده است. با این حال مقررات و رویه فعلی بانک مرکزی همچنان تا حد زیادی بر تفکیک دارایی‌های بانکی و غیربانکی و رعایت نصاب دارایی‌های ثابت استوار است. این سازوکار می‌تواند بخشی از دارایی‌های بانکی غیرضروری را از فرآیند مؤثر شناسایی و واگذاری اموال مازاد خارج کند. در کنار این مسئله، معرفی شرکت مدیریت دارایی‌ها به‌عنوان مقصد الزامی دارایی‌های فروش نرفته نیز با اختیار پیش‌بینی شده در قانون برنامه هفتم سازگاری روشنی ندارد.

واگذاری اموال مازاد بانک‌ها سال‌هاست در قوانین مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. برنامه هفتم در این زمینه معیار نسبتاً روشنی تعیین کرده و مؤسسات اعتباری را موظف کرده است املاک، مستغلات و سهامی را که نگهداری آنها لازمه انجام حرفه بانکداری است، مشخص کنند. سایر دارایی‌ها باید در شمار اموال مازاد قرار گیرند و ضرورت نگهداری دارایی‌های اعلام‌شده نیز به تأیید بانک مرکزی برسد. براساس این حکم، کاربری بانکی یک دارایی به‌تنهایی برای نگهداری آن کفایت نمی‌کند. ممکن است یک ساختمان به‌عنوان شعبه، اداره مرکزی یا فضای آموزشی بانک استفاده شود، اما تعداد یا مساحت این املاک از نیاز واقعی مؤسسه اعتباری فراتر رفته باشد. در چنین شرایطی، ضرورت ادامه نگهداری دارایی باید مورد بررسی قرار گیرد.

**مقررات باید با معیار برنامه هفتم تطبیق پیدا کند**

در مقررات فعلی بانک مرکزی، دارایی‌های غیربانکی در چارچوب دستورالعمل واگذاری اموال مازاد قرار می‌گیرند و دارایی‌های ثابت بانکی نیز با نصاب‌های نظارتی جداگانه کنترل می‌شوند. این ساختار ممکن است در عمل، مفهوم اموال مازاد را به دارایی‌های غیربانکی و بخشی از دارایی‌های ثابت خارج از حدود مقرر محدود کند. برنامه هفتم دامنه گسترده‌تری را در نظر گرفته است. بانک مرکزی باید درباره ضرورت نگهداری دارایی‌ها داوری کند و صرف قرار گرفتن یک ملک در طبقه «دارایی ثابت بانکی» نباید این بررسی را منتفی کند. حتی بانکی که تمام نسبت‌های نظارتی مربوط به دارایی ثابت را رعایت کرده، ممکن است املاک یا دارایی‌هایی داشته باشد که نگهداری آنها برای فعالیت بانکی ضرورتی نداشته باشد. بنابراین اجرای کامل برنامه هفتم به بازبینی مقررات و ایجاد سازوکاری برای ارزیابی واقعی ضرورت نگهداری دارایی‌ها نیاز دارد.

**مسیر اختیاری نباید به الزام تبدیل شود**

ابهام دیگری نیز درباره شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی وجود دارد. برنامه هفتم مقرر کرده است بانکی که امکان فروش دارایی مازاد خود را ندارد، می‌تواند آن را به این شرکت واگذار کند و شرکت نیز در صورت درخواست بانک، طبق شرایط قانونی موظف به خرید خواهد بود.

در اظهارات اخیر رئیس کل بانک مرکزی، این مسیر به‌گونه‌ای بیان شده که گویا بانک پس از فروش نرفتن دارایی، ملزم به واگذاری آن به شرکت مدیریت دارایی‌هاست. متن قانون چنین الزام مستقلی را ایجاد نکرده است. هدف قانون، خروج واقعی دارایی‌های غیرضروری از ترازنامه بانک‌هاست. تحقق این هدف زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که مقررات بانکی نیز همان معیار «ضرورت نگهداری» را مبنای شناسایی اموال مازاد قرار دهند و ابزارهای اجرایی پیش‌بینی‌شده در قانون، جای خود تکلیف اصلی را نگیرند.



# قیمت خودرو در دولت پزشکیان ۴ برابر شد

**گزارش**

قیمت خودروهای تولید داخل و مونتاژی در بازار از ابتدای دولت پزشکیان تاکنون ۴ برابر شده است. این در حالی است که پزشکیان در زمان انتخابات انتقادات زیادی از وضعیت بازار خودرو مطرح می‌کرد.

**وعده رقابت و کاهش قیمت خودرو چه شد؟**

مسعود پزشکیان در جریان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، بارها از وضعیت بازار خودرو، قیمت‌های بالا و کیفیت پایین خودروهای داخلی انتقاد کرد و وعده داد با آزادسازی واردات، امکان رقابت را فراهم کند تا بازار مسیر طبیعی خود را پیدا کند. اکنون اما مقایسه قیمت خودروهای تولید داخل و مونتاژی در پایان دولت سیزدهم با قیمت‌های ثبت‌شده در آبان ۱۴۰۵، از افزایش چند برابری قیمت‌ها حکایت دارد؛ وضعیتی که ضرورت پاسخگویی دولت درباره سرنوشت وعده‌های انتخاباتی را برجسته می‌کند. میانگین رشد قیمت بازاری خودروهای تولید داخل و مونتاژی به حدود ۳۰۴ درصد رسیده است؛ یعنی قیمت این خودروها به‌طور متوسط بیش از چهار برابر شده است. در این میان، خودروهای اقتصادی و پرتقاضا نیز از موج گرانی در امان نمانده‌اند و افزایش قیمت تنها به خودروهای لوکس و مونتاژی محدود نبوده است. وعده‌ای که قرار بود بازار را متحول کند

پزشکیان در مناظره انتخاباتی ۱۲ تیر ۱۴۰۳، با انتقاد از وضعیت قیمت خودرو گفته بود خودروهایی که در حدود ۲۰ هزار دلار قیمت دارند، در ایران با قیمت‌هایی در حدود ۱۰۰ هزار دلار به مردم فروخته می‌شوند. او همچنین تصریح کرده بود که با باز کردن فضای رقابت و واردات خودرو، بازار می‌تواند خود را تنظیم کند. پزشکیان در همان مقطع وعده داد واردات خودرو را با ارز اشخاص آزاد کند و تأکید داشت که نباید بازار را به روی خودروهای خارجی بست. استدلال او این بود که افزایش رقابت، خودروسازان داخلی را به اصلاح عملکرد وادار می‌کند و نیازی نیست دولت برای تنظیم بازار به مداخله‌های گسترده متوسل شود.

اکنون پرسش اصلی این است که اگر آزادسازی واردات و ایجاد رقابت قرار بود به تنظیم بازار منجر شود، چرا مصرف‌کنندگان با چنین افزایش گسترده‌ای در قیمت خودرو مواجه شده‌اند؟ آیا سازوکار رقابت آن‌گونه که در وعده‌های انتخاباتی ترسیم می‌شد، در عمل شکل گرفته است؟ و اگر موانعی در مسیر اجرای این سیاست وجود داشته، دولت چه اقدام مؤثری برای رفع آن‌ها انجام داده است؟

**از سایپا ۱۵۱ تا تارا؛ گرانی محدود به خودروهای لوکس نیست**

بررسی قیمت‌ها نشان می‌دهد رشد قیمت خودروهای اقتصادی و محصولات پرتقاضای داخلی نیز قابل توجه بوده است. سایپا ۱۵۱ از ۳۲۲ میلیون تومان در پایان دولت سیزدهم به یک میلیارد و ۵۶۰ میلیون تومان در هفته اول آبان ۱۴۰۵ رسیده است؛ افزایشی معادل حدود ۳۸۴ درصد.

قیمت ساینا S دوگانه‌سوز نیز از ۴۲۴ میلیون تومان به یک میلیارد و ۹۸۰ میلیون تومان افزایش یافته که رشد حدود ۳۶۷ درصدی را نشان می‌دهد. شاهین دستی با سانروف از ۶۹۶ میلیون تومان به ۳ میلیارد و ۱۲۰ میلیون تومان رسیده و رشد قیمت تارا اتوماتیک نیز از ۹۳۴ میلیون تومان به ۴ میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان رسیده است.

در بخش خودروهای مونتاژی نیز شرایط مشابهی مشاهده می‌شـــود. قیمت هایما اس ۸ از یک میلیارد و ۷۷۵ میلیون تومان به ۷ میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان رسیده و قیمت تیگو ۷ پرمیوم از یک میلیارد و ۹۵۰ میلیون تومان به ۸ میلیارد تومان افزایش یافته است.

این ارقام مربوط به مقایسه قیمت‌های بازار در دو مقطع زمانی است و به‌خودی خود نشان‌دهنده میزان افزایش قیمت کارخانه‌ای یا سهم هر عامل در گرانی نیست؛ با این حال، ابعاد افزایش هزینه دسترسی خانوارها به خودرو را به‌روشنی نشان می‌دهد. یکی از محورهای اصلی برنامه اعلام‌شده پزشکیان برای بازار خودرو، آزادسازی واردات با استفاده از ارز اشخاص بود. این سیاست قرار بود با افزایش عرضه و ایجاد امکان انتخاب برای مصرف‌کنندگان، انحصار و فشار قیمتی را کاهش دهد.

**کیفیت پایین، قیمت بالا؛ مسئله‌ای فراتر از یک عدد**

انتقاد پزشکیان در دوران انتخابات تنها به قیمت خودرو محدود نبود؛ او به تفاوت میان قیمت خودرو و کیفیت آن نیز اشاره می‌کرد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که خریدار ایرانی نه‌تنها با افزایش هزینه خرید مواجه است، بلکه انتظار دارد در برابر پولی که می‌پردازد، محصولی متناسب با قیمت، کیفیت ساخت، ایمنی و مصرف سوخت دریافت کند.

بنابراین، ارزیابی عملکرد دولت در صنعت خودرو باید هم‌زمان دو شاخص را در نظر بگیرد: روند قیمت و تغییرات کیفیت. اگر قیمت‌ها چند برابر شده‌اند، آیا بهبود قابل اندازه‌گیری در کیفیت، ایمنی، مصرف سوخت و خدمات پس از فروش نیز رخ داده است؟ آیا خودروسازان در برابر مصرف‌کنندگان پاسخگوتر شده‌اند؟ و آیا رقابت واقعی، امکان انتخاب محصول باکیفیت‌تر و قیمت مناسب‌تر را فراهم کرده است؟

پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم انتشار آمار معتبر و مقایسه‌پذیر است؛ اما افزایش چند برابری قیمت‌های بازار، به‌تنهایی نشان می‌دهد که دسترسی مالی به خودرو برای مصرف‌کنندگان با مانعی جدی‌تر مواجه شده است.

**مسئولیت دولت در برابر وعده‌های انتخاباتی**

ممکن است دولت عواملی همچون افزایش هزینه تولید، نرخ ارز، تورم عمومی و محدودیت‌های وارداتی را در توضیح افزایش قیمت خودرو مطرح کند. این عوامل باید با داده‌های دقیق بررسی شوند و نمی‌توان تمام رشد قیمت بازار را بدون تفکیک سهم هر عامل، به یک تصمیم یا نهاد نسبت داد.

با این حال، همین عوامل نیز ضرورت پاســـخگویی درباره سیاست‌های اقتصادی دولت را از میان نمی‌برند. دولت باید توضیح دهد چه اقداماتی برای افزایش عرضه، تسهیل واردات، کاهش هزینه‌های غیرضروری تولید، تقویت رقابت و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان انجام داده است و نتیجه هر اقدام چه بوده است.

اگر قرار بود بازار با رقابت تنظیم شود، اکنون باید آثار آن در آمار عرضه، سهم خودروهای وارداتی، کاهش فاصله قیمت‌ها و بهبود امکان خرید برای خانوارها قابل مشاهده باشد. در غیر این صورت، میان وعده اعلام‌شده و نتیجه ملموس برای مردم فاصله باقی می‌ماند.

**مردم منتظر نتیجه‌اند، نه تکرار وعده‌ها**

بازار خودرو یکی از حوزه‌هایی است که نتیجه سیاست‌گذاری در آن مستقیماً در زندگی روزمره خانوارها دیده می‌شود. افزایش چند برابری قیمت‌ها، به‌ویژه در خودروهای اقتصادی، خرید خودرو را برای بخش بیشتری از متقاضیان دشوار می‌کند و ضرورت بازنگری در سیاست‌های تنظیم بازار را افزایش می‌دهد. انتقادهای انتخاباتی پزشکیان از قیمت‌های بالا و کیفیت پایین خودرو و وعده او برای آزادسازی واردات، اکنون معیاری برای سنجش عملکرد دولت در اختیار افکار عمومی قرار داده است. پرسش این نیست که آیا دولت همچنان از ضرورت اصلاح بازار سخن می‌گوید؛ پرسش این است که این اصلاحات تا چه اندازه در زندگی مصرف‌کنندگان اثر گذاشته است.

بازار خودرو با وعده رقابت اصلاح نمی‌شود؛ نتیجه باید در قیمت، کیفیت، عرضه و قدرت خرید مردم دیده شود. وقتی قیمت بسیاری از خودروهای بررسی‌شده بیش از چهار برابر شده، دولت باید با ارائه آمار روشن از عملکرد خود، توضیح دهد چرا وعده ایجاد رقابت هنوز به کاهش محسوس فشار بر مصرف‌کنندگان منجر نشده است.

| قیمت‌ها به میلیون تومان | قیمت در پایان دولت سیزدهم | قیمت در هفته اول آبان ۱۴۰۵ | درصد رشد |
|---|---|---|---|
| ساپیا۱۵۱ | ۳۲۲ | ۱۵۶۰ | ۳۸۴ |
| آریسان | ۴۴۰ | ۲۰۹۰ | ۳۷۵ |
| ساینا S دوگانه سوز | ۴۲۴ | ۱۹۸۰ | ۳۶۷ |
| ساپیا۱۵۱ لاینر | ۳۳۷ | ۱۵۷۳ | ۳۶۷ |
| شاهین دستی (سانروف) | ۶۹۶ | ۳۱۲۰ | ۳۴۸ |
| تارا اتوماتیک وی ۴ | ۹۳۴ | ۴۱۵۰ | ۳۴۴ |
| آریزو۶ پرو | ۱۶۰۵ | ۷۱۰۰ | ۳۴۲ |
| هایما S۸ | ۱۷۷۵ | ۷۸۵۰ | ۳۴۲ |
| دنا پلاس اتوماتیک | ۹۴۹ | ۴۱۶۰ | ۳۳۸ |
| جک جی ۷ | ۱۵۸۰ | ۶۸۲۰ | ۳۳۲ |
| جک جی ۴ | ۷۶۰ | ۳۲۷۵ | ۳۳۱ |
| ساینا اس | ۴۱۷ | ۱۷۶۰ | ۳۲۲ |
| هایما S۵ | ۱۴۵۰ | ۶۱۰۰ | ۳۲۱ |
| شاهین اتوماتیک G | ۸۱۰ | ۳۴۰۰ | ۳۲۰ |
| هایما S۷ | ۱۵۷۵ | ۶۶۰۰ | ۳۱۹ |
| سورن ایکس یو پی ۷ | ۵۹۷ | ۲۵۰۰ | ۳۱۹ |
| کوییک آر اس | ۴۱۸ | ۱۷۵۰ | ۳۱۹ |
| چانگان اس ۳۵ تیپ ۲ | ۱۵۱۷ | ۶۳۵۰ | ۳۱۹ |
| کوییک جی. ایکس. ال | ۴۲۲ | ۱۷۶۰ | ۳۱۷ |
| کوییک GXR-L | ۴۳۴ | ۱۸۱۰ | ۳۱۷ |
| پژو ۲۰۷ دنده‌ای پانوراما | ۷۸۴ | ۳۲۶۰ | ۳۱۶ |
| جک ایکس ۵ | ۱۶۱۶ | ۶۷۰۰ | ۳۱۵ |
| کوییک اس | ۴۲۰ | ۱۷۳۰ | ۳۱۲ |
| تیگو ۷ پرمیوم | ۱۹۵۰ | ۸۰۰۰ | ۳۱۰ |
| پژو ۲۰۷ اتوماتیک پانوراما | ۱۰۱۲ | ۴۱۵۰ | ۳۱۰ |
| ساینا اتوماتیک | ۵۰۸ | ۲۰۷۰ | ۳۰۷ |
| تارا دستی وی ۱ | ۷۵۳ | ۳۰۵۰ | ۳۰۵ |
| جک تی ۸ | ۱۶۱۵ | ۶۵۲۰ | ۳۰۴ |
| فیدلیتی | ۱۹۴۰ | ۷۷۲۰ | ۲۹۸ |
| دنا پلاس دنده‌ای-شش دنده | ۷۸۷ | ۳۱۳۰ | ۲۹۸ |
| وانت زامیاد | ۵۹۰ | ۲۳۴۵ | ۲۹۷ |
| تیگو ۸ پرومکس | ۲۹۱۰ | ۱۱۵۰۰ | ۲۹۵ |
| وانت زامیاد گازسوز | ۶۳۳ | ۲۵۰۰ | ۲۹۵ |
| هایما X۷ | ۱۷۴۵ | ۶۸۰۰ | ۲۹۰ |
| رانا پلاس | ۶۱۶ | ۲۳۹۰ | ۲۸۸ |
| سورن پلاس دوگانه‌سوز | ۷۶۹ | ۲۹۸۰ | ۲۸۸ |
| پژو ۲۰۷ دنده‌ای هیدرولیک | ۷۲۹ | ۲۸۱۰ | ۲۸۵ |
| چانگان اس ۳۵ تیپ ۳ | ۱۶۵۰ | ۶۳۵۰ | ۲۸۵ |
| دیگنیتی پرستیژ | ۲۳۳۰ | ۸۹۵۰ | ۲۸۴ |
| پژو ۲۰۷ با موتور تی. یو۳ | ۶۶۰ | ۲۵۱۰ | ۲۸۰ |
| دیگنیتی پرایم | ۱۸۵۰ | ۷۰۰۰ | ۲۷۸ |
| فیدلیتی پرستیژ | ۲۳۸۰ | ۸۹۵۰ | ۲۷۶ |
| لاماری | ۲۱۳۰ | ۷۸۰۰ | ۲۶۶ |
| وانت کاپرا | ۱۱۲۰ | ۴۱۰۰ | ۲۶۶ |
| پیکاپ فوتون | ۲۵۹۰ | ۹۴۰۰ | ۲۶۳ |
| ایکس ۵۵ پرو | ۱۴۸۵ | ۵۳۰۰ | ۲۵۷ |
| ام وی ام X۲۲ پرو دنده‌ای | ۹۴۴ | ۳۳۰۰ | ۲۵۰ |
| فونیکس اف ایکس | ۲۱۹۵ | ۷۶۵۰ | ۲۴۹ |
| چانگان اس ۵۵ | ۲۱۹۰ | ۷۵۳۰ | ۲۴۴ |
| اطلس | ۵۳۸ | ۱۸۳۰ | ۲۴۰ |
| آریزو۵ نیو | ۱۳۶۰ | ۴۲۷۰ | ۲۱۴ |
| میانگین | ۱۱۸۲ | ۴۶۷۳ | ۳۰۴ |

# ۶۰ میلیون مترمکعب گاز تا پیش از آغاز سرما به مدار بازمی‌گردد

سخنگوی کمیســـیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفت: تاکنون ۱۸۵ میلیون مترمکعب از مجموع ۲۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت تولید گاز ازدست‌رفته بازیابی شده یا در آستانه بازگشت به مدار تولید قرار گرفته است. همچنین چهار شرکت عملیات بازسازی تاسیسات آسیب‌دیده را آغاز کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود روند بازسازی تا پایان سال ۱۴۰۶ ادامه داشته باشد.

رضا سپهوند، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با اشاره به حضور سرپرست وزارت نفت، معاونین شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در کمیسیون انرژی مجلس اظهار داشت: در جلسه‌ای که با حضور مسئولان مربوطه برگزار شد، آخرین وضعیت بازسازی تاسیسات آسیب‌دیده در جنگ و روند بازگشت ظرفیت تولید گاز کشور مورد بررسی قرار گرفت.

وی افزود: براساس گزارش ارائه‌شده در این جلسه، چهار شرکت عملیات بازسازی تاسیسات آسیب‌دیده را آغاز کرده‌اند. در مرحله نخست، بخشی از زمان صرف آوار‌برداری و آماده‌سازی محیط شده و اکنون عملیات بازسازی در حال اجراست. طبق توضیحات مسئولان، تکمیل بازسازی این تاسیسات تا پایان سال ۱۴۰۶ زمان خواهد برد.

**بازگشت ۶۰ میلیون مترمکعب دیگر گاز به مدار تولید تا ابتدای دی**

این عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به آخرین وضعیت بازیابی ظرفیت تولید گاز کشور بیان کرد: خبر مثبتی که مسئولان وزارت نفت در جلسه کمیسیون انرژی ارائه کردند، مربوط به بازگشت ۶۰ میلیون مترمکعب دیگر از ظرفیت تولید گاز است که در جریان جنگ از مدار خارج شده بود. پیش از این، در فصل تابستان (مردادماه)، نزدیک به ۱۰۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز ازدست‌رفته به مدار بازگشته بود. اکنون نیز



بر اساس گزارش ارائه‌شده، قرار است ۶۰ میلیون مترمکعب دیگر حداکثر تا ابتدای دی‌ماه به مدار تولید بازگردد.

این نماینده مجلس تصریح کرد: علاوه بر این ظرفیت، ۲۵ میلیون مترمکعب از تولید گاز بخش خشکی نیز دوباره برقرار شده و گاز آن وارد شبکه شده است. به این ترتیب، مجموع ظرفیت بازیابی‌شده و ظرفیت برنامه‌ریزی‌شده برای بازگشت به تولید به ۱۸۵ میلیون مترمکعب می‌رسد.

وی با اشاره به ظرفیت تولید گاز ازدست‌رفته در جریان جنگ افزود: از مجموع حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت تولید گازی که در اثر جنگ از دست داده بودیم، توانسته‌ایم ۱۸۵ میلیون مترمکعب را در برنامه بازگشت به مدار تولید قرار دهیم.

**نگرانی درباره قطع گاز استان‌های شمالی تا حدود زیادی برطرف شده است**

این عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به تأثیر بازگشت ظرفیت تولید گاز بر تأمین انرژی استان‌های شمالی کشور اظهار داشت: خوشبختانه با اقدامات انجام‌شده و بازگشت بخشی از ظرفیت تولید گاز، نگرانی‌هایی که درباره قطع گاز استان‌های شمالی وجود داشت تا حدود زیادی برطرف شده است.

وی تاکید کرد: البته همچنان ناترازی گاز در مقایسه با سال گذشته وجود دارد و مشکل به صورت کامل حل نشده است.

دستگاه‌های مسئول تلاش می‌کنند بخشی از نیاز گرمایشی را از طریق جایگزینی سوخت‌های دیگر تأمین کنند. در همین راستا استفاده از سوخت‌های مایع از جمله گاز مایع یا ال.پی.جی و نفت سفید برای مصارف گرمایشی در دستور کار قرار گرفته تا بخشی از کمبود گاز از این طریق جبران شود.

**وجود مواد شـــیمیایی خطرناک روند آوار‌برداری پالایشگاه‌ها را طولانی کرد**

وی در پاسخ به پرسشی درباره علت طولانی شدن روند بازسازی پالایشگاه‌ها گفت: بخش قابل توجهی از زمان صرف عملیات آوار‌برداری شده است. علت اصلی طولانی شدن این مرحله، وجود مواد شیمیایی باقی‌مانده در تجهیزات، لوله‌ها و بخش‌های آسیب‌دیده تاسیسات بوده است.

این عضو کمیسیون انرژی مجلس افزود: برخی مواد شیمیایی موجود در لوله‌ها و تجهیزات آسیب‌دیده، آثار و مخاطرات شیمیایی قابل توجهی داشتند و جمع‌آوری آنها کار ساده‌ای نبود. به همین دلیل، امکان نداشت آوارها بدون رعایت ملاحظات ایمنی و فنی به سرعت جمع‌آوری شوند.

وی ادامه داد: برخلاف تصور برخی افراد، شرایط این تاسیسات به گونه‌ای نبود که بتوان صرفاً با جمع‌آوری آوارها، عملیات بازسازی را آغاز کرد. وجود مواد شیمیایی خطرناک و ضرورت پاک‌سازی محیط، عملیات آوار‌برداری و جمع‌آوری تجهیزات آسیب‌دیده را زمان‌بر کرده بود. بخشی از زمان گذشته صرف همین اقدامات شده و اکنون با پیشرفت آوار‌برداری و رفع بخشی از موانع موجود، شرایط برای ادامه عملیات بازسازی فراهم شده است. براساس گزارش مسئولان وزارت نفت، عملیات بازسازی اکنون در مسیر اجرایی قرار گرفته و شرکت‌های مسئول در حال پیشبرد فعالیت‌ها هستند تا تاسیسات آسیب‌دیده بازسازی شوند و ظرفیت تولید به تدریج به مدار بازگردد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۶

اخبار



## زمستان سخت و گران در شمال شرق آمریکا

قیمت نفت گرمایشی در شمال شرق آمریکا پس از بسته شدن تنگه هرمز ۵۰ درصد افزایش یافته و به بالاترین رقم ثبت‌شده رسیده است. خانوارهای کم‌درآمد با ۱.۱ میلیارد دلار هزینه اضافی گرمایش روبه‌رو هستند و بسیاری به هیزم و کوره‌های هیزم‌سوز روی آورده‌اند، به‌طوری که توزیع هیزم در برخی بانک‌های هیزم تا دو برابر شده است. با نزدیک شدن به فصل زمستان، خانوارها در سراسر شمال شرقی ایالات متحده با هزینه‌های سرسام‌آور نفت دست و پنجه نرم می‌کنند و در حالی که پیامدهای جنگ ایران تنها چند هفته مانده به انتخابات، دامن‌گیر فضای سیاسی شده است، به منابع گرمایشی قدیمی مانند هیزم روی آورده‌اند.

**۵۰ درصد افزایش قیمت نفت تقطیری از زمان بسته شدن تنگه هرمز**

قیمت نفت تقطیری که در بویلرها و کوره‌ها استفاده می‌شود، از زمان بسته شدن تنگه هرمز در ماه فوریه ۵۰ درصد افزایش یافته است؛ موضوعی که باعث شـــده این منطقه در مخالفت خود با گاز طبیعی تجدیدنظر کند. بر اساس گزارش اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، قیمت‌ها با ۶.۱۴ دلار به ازای هر گالن، بالاترین رقم ثبت‌شده است. قیمت نفت گرمایشی همبستگی نزدیکی با گازوئیل دارد. طبق اعلام انجمن ملی مدیران کمک‌های انرژی، خانوارهای کم‌درآمد در شمال شرقی در زمستان امسال با ۱.۱ میلیارد دلار هزینه اضافی برای گرمایش مواجه خواهند شد که نشان‌دهنده افزایشی ۵۰ درصدی است. دن کواین، مدیر اجرایی خیریه «یونایتد وی» در مین جنوبی، گفت که تماس‌ها با خدمات او برای دریافت کمک‌های اضطراری گرمایشی افزایش یافته است و مردم می‌گویند برای پرداخت هزینه دارو و اجاره‌بها، از گرم کردن خانه‌هایشان صرف‌نظر می‌کنند. او گفت که مردم مجبور به اتخاذ تصمیمات دشواری هستند تا «هر دلاری که دارند را مدیریت کنند».

**افزایش دو برابری مصرف هیزم در آمریکا**

تونی دی‌مارکو که یک «بانک هیزم» را در فری‌پورتِ مین اداره می‌کند، گفت که برخی از اهالی مین در حال نصب کوره‌های هیزم‌ســـوز برای کاهش هزینه‌های رو به رشد نفت گرمایشی هستند که این امر به نوبه خود باعث گران‌تر شدن هیزم شده است. خدمات او امسال زودتر از هر زمان دیگری با تقاضای مردم از سراسر ایالت مواجه شده است.

او گفت: «این نشان‌دهنده استیصالی است که مردم تجربه می‌کنند. ما شاهد آتش‌سوزی‌های بیشتری در دودکش‌ها خواهیم بود، کیفیت هوا کاهش می‌یابد و مردم مجبور خواهند شد تصمیمات سختی بگیرند که آیا غذا بخورند یا خانه را گرم کنند.» میزان هیزمی که دی‌مارکو توزیع کرده نسبت به فصل گرمایشی ۲۰۲۵ دو برابر شده است، در حالی که «بانک هیزم میدکوست» در تاپشام، شهری در جنوب ایالت، اعلام کرده که انتظار دارد تحویل هیزم ۶۷ درصد افزایش یابد. با نزدیک شدن به زمستان، داده‌های اداره اطلاعات انرژی نشان می‌دهد که فروش ماهانه پلت‌های چوبی نسبت به سال گذشته یک‌سوم افزایش یافته است.

**هزینه‌های انرژی آمریکا به دلیل جنگ با ایران است**

این موضوع رقابت نزدیک سنا میان سوزان کالینز، نماینده پنج دوره‌ای و تروی جکسون، چوب‌بر را تعیین می‌کند؛ کسی که طبق نظرسنجی «اینسایدر ادونتج» که در اواسط اکتبر منتشر شد، با دو درصد اختلاف پیشتاز است. جکسون به حمایت کالینز از جنگ ایران حمله کرده و گفته است که «هزینه‌های انرژی به دلیل جنگ در ایران که سوزان کالینز پنج بار علیه توقف آن رأی داده، به بالاترین حد خود رسیده است».

کالینز از دونالد ترامپ برای کمک به کاهش هزینه‌ها درخواست کرده و در اواخر سپتامبر از رئیس جمهور خواست تا از ذخایر اضطراری نفت گرمایشی ایالات متحده برای «محافظت از اهالی مین در برابر قیمت‌های بسیار بالا» استفاده کند و تلاش‌های خود برای آزادسازی ۳۸ میلیون دلار کمک هزینه گرمایش خانگی را تبلیغ کرد. رئیس جمهور تلاش کرده است تا پیش از انتخابات نوامبر، پیامدهای اقتصادی درگیری با ایران را مهار کند و در اوایل اکتبر توافقی با روسیه برای آزادسازی ۳۰۰ هزار تن گازوئیل منعقد کرد.

**ایالت‌های شمال شرقی آمریکا به شدت به نفت گرمایشی وابسته هستند**

برخلاف بیشـــتر نقاط ایالات متحده که از گاز طبیعی و برق برای گرم کردن خانه‌ها استفاده می‌کنند، ایالت‌های شمال شرقی به شدت به نفت گرمایشی وابسته هستند؛ به طوری که نیمی از تمام خانه‌ها در مین و بیش از یک‌سوم خانه‌ها در نیوهمپشایر، ورمانت و کنتیکت از آن استفاده می‌کنند. از آنجا که نفت گرمایشی توسط فروشندگان مستقل به صورت گالن فروخته می‌شود، ساختار بازار آن در مقایسه با بازارهای تحت سلطه شرکت‌های برق و گاز طبیعی که می‌توان آن‌ها را ملزم به ارائه طرح‌های پرداخت، نرخ‌های تخفیف‌دار و محافظت در برابر قطع خدمات کرد، از حمایت‌های کمتری برخوردار است.

اکنون، جهش قیمت نفت گرمایشی، مخالفت شمال شرق آمریکا با گاز طبیعی را مورد توجه قرار داده است. حتی پیش از بحران ایران، خانه‌ها در سراسر این منطقه شروع به گذار به سمت گاز طبیعی کرده بودند، به طوری که نسبت خانه‌هایی که در مین با این روش گرم می‌شدند، از ۳.۵ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۸.۳ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافت. صاحبان خانه‌ها همچنین از پمپ‌های حرارتی که با برق کار می‌کنند، استقبال کرده‌اند.

**جلوی تقاضا را نمی‌توان گرفت**

هزینه‌های انرژی در همه بخش‌ها بالاست، به طوری که از ژانویه ۲۰۲۵، قیمت برق ۱۱.۲ درصد و گاز طبیعی ۹.۳ درصد افزایش یافته است. توبی رایس، مدیر اجرایی شرکت EQT گفت: «آنچه در نیوانگلند در حال وقوع است، یک بحران است. شما می‌توانید جلوی یک خط لوله را بگیرید، اما نمی‌توانید جلوی تقاضا را بگیرید.» روز دوشنبه، وزارت انرژی ایالات متحده اعلام کرد که ۴۲ میلیون دلار از بودجه «قانون تولید دفاعی» را به «خط لوله کانستیتوشن» اختصاص خواهد داد که از پنسیلوانیا تا نیویورک امتداد خواهد داشت. اگرچه فرمانداران ماساچوست، کنتیکت و نیویورک مواضع ایالت‌های خود را در مورد گسترش ظرفیت خط لوله گاز تعدیل کرده‌اند، اما ممکن است برای بهره‌مندی مصرف‌کنندگان خیلی دیرشده باشد. اندی لیپو، رئیس شرکت «لیپو اویل آسوشیتس» گفت: «امروز جایگزین زیادی وجود ندارد. اگر آن‌ها بخواهند تغییر وضعیت دهند، باید به سیستم گاز طبیعی متصل شوند که ممکن است در منطقه آن‌ها وجود داشته باشد یا نباشد.»



# بزرگ‌ترین فرار سرمایه خارجی از بورس‌های عربی

گزارش

در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶ با خروج حدود ۲.۳ میلیارد دلار سرمایه خارجی از بورس‌های خلیج فارس، بزرگ‌ترین فرار پول خارجی از این بازارها از سال ۲۰۱۸ رقم خورد، خروجی که حتی با رسیدن نفت به ۱۱۰ دلار هم متوقف نشد. برخلاف انتظار، بالا رفتن قیمت نفت به بیش از ۱۰۰ دلار نه‌تنها سرمایه خارجی را به بورس‌های خلیج فارس برنگرداند، بلکه این بازارها را با خروج حدود ۲.۳ میلیارد دلاری سرمایه خارجی در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶ روبه‌رو کرد. این خروج بزرگ‌ترین خروج سرمایه از منطقه از سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به شمار می‌رود به طوری که جنگ و ناامنی، رابطه سنتی میان گرانی نفت و رونق بورس را از کار انداخته است. بر پایه گزارش «آژانس بین‌المللی انرژی» در هفته گذشته، کرایه نفتکش‌های غول‌پیکر حامل نفت خام از خلیج فارس به آسیا به بیش از ۱.۳ میلیون دلار در روز رسیده و هزینه حمل هر بشکه به بیش از ۳۷ دلار افزایش یافته است.

این رقم در حالی است که به گزارش الجزیره انگلیسی کرایه روزانه این نفتکش‌ها پیش از جنگ ۸۰ هزار دلار بود و اکنون به ۱.۲ میلیون دلار رسیده؛ یعنی حدود ۱۵ برابر. با همین نسبت، هزینه ۳۷ دلاری حمل هر بشکه نیز چند برابر روزهای پیش از جنگ است و در نتیجه بخش بزرگی از درآمد نفتی کشورهای خلیج فارس، به جای خزانه دولت‌ها، به شرکت‌های کشتیرانی و بیمه می‌رود.

**کسری ۳ میلیون بشکه‌ای و تداوم بن‌بست هرمز تا ۲۰۲۷**

«ریگ زون»، پایگاه تخصصی انرژی و نفت، گزارش داده تأمین انرژی منطقه با گرفتاری‌های بی‌سابقه روبه‌رو شده و کسری عرضه به حدود ۳ میلیون بشکه در روز می‌رسد.

صادرات انرژی نیز در ابتدای این ماه با کاهش میلیون‌ها بشکه‌ای مواجه شده و علت اصلی، تشدید حملات در تنگه هرمز است. این گزارش، توافق برای بازگشایی این گذرگاه راهبردی را پیش از سه‌ماهه اول ۲۰۲۷ بعید دانسته است.

نفت طی روزهای پنجشنبه و جمعه گذشته ۱۱۰ دلار معامله شد، اما فشارهای کلان بر بازارهای مالی منطقه با سخت‌ترشدن شرایط پولی جهانی و آب رفتن ذخایر احتیاطی عمیق‌تر شده است.

**هشدار صندوق بین‌المللی پول؛ نرخ بهره بالا و فرار از دارایی پرخطر**

صندوق بین‌المللی پول هشدار داده شوک عرضه انرژی ناشی از جنگ در منطقه، سپرهای مالی کشورها را خالی می‌کند و بازده اوراق بدهی دولت‌های اقتصادهای پیشرفته را به بالاترین سطح چند دهه اخیر می‌رساند.

ماندگاری نرخ بهره بالا، تمایل سرمایه‌گذاران به دارایی‌های پرخطر را کم می‌کند و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی را ضروری می‌سازد. در همین چارچوب، «فراس شعبو»، کارشناس اقتصاد و استاد دانشگاه باشاک شهیر ترکیه می‌گوید این خروج سرمایه به معنای بد بودن وضع قیمت‌ها نیست؛ بلکه واکنشی مستقیم به خطرهای سیاسی و امنیتی و افت حجم صادرات نفت است.

به گفته او، کاهش مقدار صادرات با رشد قیمت جبران نشد و کوچک شدن حدود ۴ درصدی اقتصاد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پیش‌بینی می‌شود.

**سهم عربستان بیش از نیمی از خروج سرمایه؛ دبی و کویت در رتبه‌های بعدی**

از ۲.۳ میلیارد دلار خروج سرمایه از بورس کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، حدود ۱.۵ میلیارد دلار سهم عربستان، نزدیک ۴۰۰ میلیون دلار سهم دبی و ۲۵۰ میلیون دلار سهم کویت بوده است.

بنا به اذعـــان کویـــت تایمز، ســـرمایه‌گذاران خارجی که با مجوزهای ویژه ورود ســـرمایه به این بازارهـــا راه یافته‌اند، به هر نشانه ناامنی حساس‌اند و پول خود را سریع به جای دیگر منتقل می‌کنند.

تنش‌های سیاسی و جنگ منطقه‌ای، صندوق‌های خارجی را به تبدیل دارایی به پول نقد سریع‌الوصول و انتقال به دارایی‌های کم‌خطرتر واداشته است؛ به‌ویژه که جنگ در اروپا و منطقه ادامه دارد.

> **این خروج بزرگ‌ترین خروج سرمایه از منطقه از سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به شمار می‌رود به طوری که جنگ و ناامنی، رابطه سنتی میان گرانی نفت و رونق بورس را از کار انداخته است**

**عبور نفتکش‌ها ۹۵ درصد آب رفت؛ بیمه‌گران پوشـــش جنگ را تعلیق کردند**

هیلینیک شیپینگ نیوز، پایگاه تخصصی دریانوردی و حمل‌ونقل دریایی به تازگی گزارش داد عبور نفتکش‌ها و کشتی‌های گاز طبیعی مایع از هرمز ۹۵ درصد و صادرات گاز مایع قطر ۹۳ درصد سقوط کرده است. شرکت‌های بزرگ بیمه نیز پوشش خطر جنگ برای کشتی‌های مرتبط با بندرهای عربستان را تعلیق کرده‌اند و همین موضوع، شرکت‌های انرژی خلیج فارس را به خرید مستقیم نفتکش واداشته است.

کرایه نفتکش از ۸۰ هزار دلار به ۱.۲ میلیون دلار در روز جهش پیدا کرده و بخش بزرگی از درآمد نفتی به شرکت‌های حمل و بیمه می‌رسد. به گفته این رسانه، نوسان‌های نظامی و میدانی، ثبات صادرات را مختل می‌کند و اثر مثبتی بر رونق داخلی ندارد.

**بانک‌های عربســـتان پس‌انداز دارند، اما نمی‌توانند جای پول خارجی را پر کنند**

عربستان در سال ۲۰۲۵ سپرده‌های بانکی‌اش را زیاد کرده و به ادعای برخی کارشناسان خروج پول خارجی خطر جدی برای بانک‌ها یا نقدینگی این کشور نیست؛ اما این تمام ماجرا نیست. مشکل اینجاست که وقتی سرمایه‌گذار خارجی پولش را بیرون می‌برد، هیچ‌کس داخل عربستان نمی‌تواند جای او را پر کند. به گزارش عمان دیلی آبزرور، سه راه برای جبران این خالی بودن وجود دارد که هیچ‌کدام جواب نمی‌دهد: مردم عادی می‌توانند سهام شرکت‌های بزرگ را بخرند، اما پولشان کم است و نمی‌توانند حجم بزرگ خروج خارجی را جبران کنند. دولت عربستان در شرایط جنگ، پولش را صرف حفظ ثبات و هزینه‌های ضروری می‌کند و پول سنگین به بورس نمی‌ریزد... بانک‌ها در عربستان هم چون نرخ بهره بالاست و می‌ترسند ضرر کنند، از ســـرمایه‌گذاری بزرگ در سهام و اوراق بدهی دوری می‌کنند.

**شرکت‌های خلیج فارس در زیان‌دهی فرو رفته‌اند**

«فیچ ریتینگز»، مؤسسه رتبه‌بندی و پژوهش مالی، یک هفته پیش اعلام کرد شرکت‌های عربی خلیج فارس به وضعیت زیان‌دهی رسیده‌اند هزینه‌های سرمایه‌گذاری و سود سهام‌داران آن قدر سنگین شده که پولی که پس از این هزینه‌ها برایشان می‌ماند، کمتر از مخارجشان است و حساب‌هایشان در محدوده منفی قرار گرفته است به طوری که این شرکت‌ها بیشتر از درآمدشان خرج می‌کنند و این به معنای زیان انباشته و ضعف مالی واقعی است. نکته مهم این است که پشتیبانی دولت این زیان را از بین نمی‌برد؛ فقط مانع فروپاشی کامل می‌شود. دولت مالک بخش بزرگی از این شرکت‌هاست و به آنها پول و حمایت می‌رساند، اما همین حمایت هم نتوانسته جریان نقدی منفی و زیان‌دهی آنها را جبران کند. درواقع دولت با پول خودش ضرر شرکت‌ها را می‌پوشاند و نمی‌گذارد سقوط کنند. همین موضوع باعث شده جنگ ایران و پیامدهایش، به اعتبار مالـــی و نقدینگی این شرکت‌ها آسیب فاجعه‌بار نزند؛ اما ضعف اصلی سر جای خود باقی است، چون شرکت‌ها زیان‌ده‌اند و بدون پشـــتیبانی دولت دوام نمی‌آورند.

قبض چند میلیارد دلاری برای ریاض؛

# عربستان دنبال راه فرار از تنگه هرمز است



در پی افزایش نگرانی‌ها از اختلال در تنگه هرمز و آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی، عربستان با توســـعه خط لوله شـــرق به غرب تـــا ظرفیت هدف‌گذاری‌شده ۱۰ میلیون بشکه در روز و گسترش ذخیره‌سازی نفت در خارج از منطقه، به‌دنبال تضمین تداوم صادرات در شرایط بحران است؛ راهبردی که علاوه بر کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، می‌تواند معادلات امنیت انرژی و توازن نفوذ آمریکا و چین در خلیج فارس را تحت تأثیر قرار دهد.

امنیت انرژی عربستان سعودی در حال ورود به مرحله‌ای تازه است؛ مرحله‌ای که در آن، فقط برخورداری از ذخایر عظیم نفت، ظرفیت بالای تولید و خرید تسلیحات پیشرفته آمریکایی دیگر برای تضمین تداوم صادرات کافی به نظر نمی‌رسد. افزایش تهدیدهای امنیتی در خلیج فارس، آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی انرژی و نگرانی از اختلال در مسیرهای انتقال نفت، ریاض را به سمت بازنگری در راهبرد سنتی خود سوق داده؛ راهبردی که اکنون بر ذخیره‌سازی نفت در خارج از منطقه، توسعه مســـیرهای جایگزین صادرات و تنوع‌بخشی به همکاری‌های امنیتی تاکید بیشتری دارد. این تغییر صرفاً یک تصمیم فنی در حوزه مدیریت ذخایر نفتی نیست. عربستان با این رویکرد می‌کوشد آسیب‌پذیری اقتصاد خود را در برابر بحران‌های منطقه‌ای کاهش دهد و اطمینان حاصل کند که حتی در صورت اختلال در زیرساخت‌های داخلی یا مسیرهای دریایی، امکان تأمین مشتریان اصلی خود را حفظ خواهد کرد. پیامدهای این تحول نیز می‌تواند از بازار جهانی انرژی فراتر رفته و بر رقابت آمریکا و چین برای نفوذ در خاورمیانه تأثیر بگذارد.

**ذخیره‌ســـازی نفت در خارج از منطقه؛ تغییر در راهبرد سنتی ریاض**

عربستان طی دهه‌های گذشته برای پاسخ به افزایش تقاضای جهانی نفت، عمدتاً بر ظرفیت تولید داخلی، ذخایر نفتی و امکان عرضه بیشتر به بازار تکیه کرده است. با این حال، تجربه بحران‌های امنیتی نشان داده که توانایی استخراج نفت با توانایی رساندن آن به مصرف‌کنندگان یکسان نیست. حتی اگر چاه‌های نفت فعال باشند و ظرفیت تولید کشور کاهش نیابد، اختلال در بنادر، خطوط لوله یا مسیرهای کشتیرانی می‌تواند صادرات را محدود کند. در چنین شرایطی، برخورداری از نفت فراوان لزوماً مانع کاهش درآمدهای صادراتی نخواهد شد.

بر همین اساس، شرکت آرامکو و دولت عربستان به‌دنبال گسترش همکاری با کشورهای دیگر برای افزایش ذخایر راهبردی نفت در خارج از کشور هستند. هدف این رویکرد، انتقال بخشی از نفت صادراتی به مراکز ذخیره‌سازی در نزدیکی بازارهای مصرف است تا در صورت بروز اختلال در خلیج فارس، عرضه به مشتریان با وقفه کمتری ادامه پیدا کند.

توافق اولیه عربستان و سنگاپور برای ذخیره‌سازی نفت خام عربستان در تاسیسات زیرزمینی جورونگ، با پیش‌بینی آغاز عملیات در نیمه دوم ســـال ۲۰۲۷، نمونه‌ای از این سیاست است. ظرفیت این تاسیسات برای نگهداری هیدروکربن‌های مایع، از جمله نفت خام و میعانات، حدود ۱.۴۷ میلیون مترمکعب اعلام شده است. اهمیت این اقدام در آن است که عربستان می‌خواهد بخشی از امنیت صادرات خود را از جغرافیای پرریسک خلیج فارس جدا کند. در این مدل، نفت پیش از وقوع بحران در مقصد ذخیره می‌شود تا در شرایط اضطراری، دسترسی مشتریان به محموله‌های مورد نیاز آسان‌تر باشد.

البته این راهبرد هزینه‌هایی نیز دارد؛ انتقال اولیه نفت، نگهداری ذخایر و مدیریت موجودی در کشورهای دیگر مستلزم سرمایه‌گذاری است؛ بنابراین، تصمیم ریاض را باید تلاشی برای ایجاد توازن میان هزینه‌های بیشتر و کاهش ریسک اختلال در صادرات دانست.

**تنگه هرمز؛ نقطه آسیب‌پذیر بازار جهانی انرژی**

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های تجارت جهانی انرژی است. تمرکز بخش قابل توجهی از صادرات نفت و گاز منطقه در این محدوده باعث شده هرگونه اختلال در عبور و مرور دریایی، پیامدهایی فراتر از کشورهای ساحلی داشته باشد. برای عربستان، تهدیدهای مرتبط با این مسیر فقط به احتمال توقف صادرات محدود نمی‌شود. افزایش هزینه بیمه کشتی‌ها، رشد کرایه حمل‌ونقل، تأخیر در تحویل محموله‌ها و افزایش نااطمینانی در قراردادهای فروش نیز می‌توانند درآمدهای نفتی را تحت تأثیر قرار دهند.

در بازار جهانی نفت، انتظارات درباره عرضه آینده اهمیت زیادی دارد. اگر معامله‌گران احتمال دهند که انتقال نفت از منطقه برای مدتی طولانی مختل خواهد شد، قیمت‌ها ممکن است حتی پیش از وقوع کمبود واقعی افزایش یابند. به همین دلیل، کاهش آسیب‌پذیری مسیرهای صادراتی برای کشورهای تولیدکننده، علاوه بر جنبه امنیتی، اهمیت اقتصادی مستقیمی دارد.

عربستان برای کاهش این وابستگی، از زیرساخت‌های انتقال نفت به دریای سرخ استفاده می‌کند. خط لوله شرق به غرب این کشور، به طول تقریبی ۱۲۰۰ کیلومتر، نفت مناطق شرقی را به بندر ینبع در ساحل دریای سرخ منتقل می‌کند. برنامه مورد اشاره برای افزایش ظرفیت این خط لوله به ۱۰ میلیون بشکه در روز طی دو تا سه سال آینده، نشان‌دهنده اهمیت مسیرهای زمینی در محاسبات جدید ریاض است.

در صورت تحقق این هدف، عربستان امکان بیشتری برای انتقال نفت به دریای سرخ خواهد داشت و بخشی از صادرات خود را بدون عبور از تنگه هرمز انجام خواهد داد. با این حال فقط ظرفیت اسمی خط لوله تعیین‌کننده میزان صادرات نیست؛ توان عملیاتی پایانه‌ها، امنیت مسیر و شرایط بازار نیز باید در نظر گرفته شوند.

**کریدورهای جدید؛ رقابت بر سر جغرافیای تجارت**

تغییر راهبرد عربستان فقط به توسعه خطوط لوله و ذخایر نفتی محدود نیست. طرح‌هایی مانند کریدور اقتصادی هند–خاورمیانه–اروپا نیز می‌توانند در بازآرایی مسیرهای تجاری منطقه نقش داشته باشند. این کریدور که در اجلاس گروه ۲۰ در سال ۲۰۲۳ مطرح شد، با هدف تقویت ارتباطات اقتصادی هند، خاورمیانه و اروپا از طریق ترکیبی از حمل‌ونقل دریایی و زمینی طراحی شده است. در الگوی مورد نظر، کالاها از بنادر غربی هند به منطقه منتقل می‌شوند و سپس از طریق شبکه‌های زمینی در شبه‌جزیره عربستان و اردن به بندر حیفا می‌رسند تا از آنجا به اروپا ارسال شوند.

در برخی طرح‌های جدید نیز استفاده از بنادر عمان برای کاهش وابستگی به عبور از تنگه هرمز مورد توجه قرار گرفته است. این مسیرها می‌توانند در صورت تکمیل زیرســـاخت‌ها و ایجاد هماهنگی میان کشورهای مشارکت‌کننده، گزینه‌های بیشتری برای انتقال کالا فراهم کنند.

با این حال، نباید کریدورهای پیشنهادی را جایگزینی فوری برای مسیرهای موجود دانست. احداث خطوط ریلی، توسعه بنادر، تأمین سرمایه و هماهنگی مقررات گمرکی به زمان و منابع مالی قابل توجهی نیاز دارد. علاوه بر این، عبور مسیرهای زمینی از چند کشور، آن‌ها را در معرض ریسک‌های سیاسی و امنیتی متفاوتی قرار می‌دهد. با وجود این محدودیت‌ها، اهمیت راهبردی چنین پروژه‌هایی روشن است، هرچه مسیرهای تجاری متنوع‌تر باشند، احتمال آنکه اختلال در یک گلوگاه به بحرانی فراگیر تبدیل شود، کاهش می‌یابد.

**چرا اعتماد عربستان به تضمین‌های امنیتی آمریکا تحت فشار قرار گرفته است؟**

عربستان طی سال‌های گذشته هزینه‌های سنگینی برای خرید تجهیزات نظامی و ســـامانه‌های دفاعی آمریکایی پرداخت کرده است. با این حال، حملات به زیرساخت‌های انرژی منطقه نشان داده‌اند که حتی پیشرفته‌ترین سامانه‌ها نیز نمی‌توانند همه تهدیدها را به طور کامل خنثی کنند. حملات سپتامبر ۲۰۱۹ به تاسیسات بقیق و خریص، یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این آسیب‌پذیری بود. این حملات بخش بزرگی از ظرفیت تولید نفت عربستان را به طور موقت از مدار خارج کردند و به افزایش شدید قیمت جهانی نفت منجر شد.

اهمیت این رویداد در آن بود که آسیب‌دیدن تعداد محدودی از تاسیسات حیاتی توانست عرضه نفت یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان جهان را مختل کند. چنین تجربه‌ای نشان می‌دهد که امنیت انرژی به مجموعه‌ای از اقدامات مکمل نیاز دارد و نمی‌توان آن را صرفاً به خرید تسلیحات یا استقرار سامانه‌های دفاعی محدود کرد. از این منظر، تغییر رویکرد ریاض را نباید الزاماً به معنای پایان همکاری نظامی با واشنگتن دانست. مسئله اصلی این است که عربستان می‌کوشد برای حفاظت از منافع اقتصادی خود، ابزارهای بیشتری در اختیار داشته باشد و ریسک وابستگی انحصاری به یک شریک امنیتی را کاهش دهد.

توسعه ذخایر خارجی، افزایش ظرفیت خطوط لوله و گسترش مسیرهای صادراتی، همگی می‌توانند بخشی از این راهبرد تکمیلی باشند. درواقع، اگر دفاع نظامی نتواند از وقوع همه اختلال‌ها جلوگیری کند، ایجاد مسیرهای جایگزین می‌تواند خسارت اقتصادی ناشی از آن‌ها را کاهش دهد.

**چین؛ فرصت تازه برای گسترش نفوذ در خلیج فارس**

بازنگری عربستان در راهبرد امنیتی خود می‌تواند فضای بیشتری برای حضور اقتصادی و سیاسی چین در منطقه ایجاد کند. پکن یکی از بازیگران مهم تجارت جهانی انرژی است و روابط اقتصادی گسترده‌ای با کشورهای عربی و ایران دارد که همین جایگاه می‌تواند در شرایط افزایش نااطمینانی، اهمیت بیشتری پیدا کند. تحلیلگران معتقدند چین از ابزارهای اقتصادی قابل توجهی از جمله روابط تجاری و خرید انرژی برای اثرگذاری بر معادلات منطقه برخوردار است و در صورت افزایش تنش‌ها، پکن ممکن است از این روابط برای تشویق طرف‌ها به کاهش درگیری استفاده کند.

با این حال، نفوذ اقتصادی لزوماً به معنای توانایی تضمین امنیت منطقه‌ای نیست. اینکه چین تا چه اندازه حاضر باشد برای حفاظت از جریان انرژی یا کاهش تنش‌ها هزینه سیاسی و راهبردی بپردازد، به محاسبات مستقل این کشور بستگی دارد. همچنین افزایش همکاری عربستان با چین به خودی خود به معنای حذف آمریکا از معادلات خلیج فارس نخواهد بود. آمریکا همچنان از حضور نظامی، روابط دفاعی و پیوندهای اقتصادی گسترده‌ای در منطقه برخوردار است. آنچه ممکن است تغییر کند، میزان اتکای کشورهای منطقه به یک قدرت خارجی و تمایل آن‌ها به ایجاد توازن میان شرکای مختلف است. در چنین شرایطی، روابط اقتصادی و امنیتی به ابزارهایی برای افزایش قدرت چانه‌زنی تبدیل می‌شوند. عربستان می‌تواند با گسترش گزینه‌های خود، در تعامل با قدرت‌های بزرگ انعطاف بیشتری پیدا کند؛ هرچند تحقق این هدف به میزان موفقیت عملی پروژه‌های زیرساختی و همکاری‌های جدید بستگی خواهد داشت. راهبرد جدید عربستان می‌تواند از چند مسیر بر اقتصاد جهانی اثر بگذارد. نخست، توسعه مسیرهای جایگزین و ذخایر خارجی ممکن است احتمال اختلال طولانی‌مدت در عرضه را کاهش دهد. دوم، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جدید و ذخیره‌سازی، هزینه‌هایی ایجاد می‌کند که باید در محاسبات اقتصادی صادرات لحاظ شوند. سوم، تداوم نااطمینانی‌های منطقه‌ای می‌تواند هزینه بیمه، حمل‌ونقل و مدیریت ریسک را افزایش دهد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵ ■ ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ ■ ۲ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۶

مدیر مسئول: مهدی مهرپور

چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

Charsogh newspaper.com

اخبار



تناقض در سیاست‌های معیشتی؛

## دستمزد عامل تورم نیست

راه خروج از سیکل معیوب اقتصادی، مهار نوسانات ارزی و اصلاح ناترازی‌های بانکی است، نه فشار بر دستمزدها. در حالی که بخشی از بدنه دولت با استناد به نرخ تورم از افزایش حقوق کارگران بیم دارند، تحلیل‌های علمی، حقوقی و کارگری نشان می‌دهند که دستمزد نه تنها عامل تورم نیست، بلکه قربانی اصلی ناترازی‌های پولی و ارزی است.

**دیدگاه اجرایی: ترس از سیکل معیوب تورم**

بحث از چالش‌های معیشتی بانگاهی به ساختار قیمت‌ها آغاز می‌شود. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، در بررسی چالش‌های اقتصادی کشور، به ماهیت پیچیده رابطه میان حقوق و قیمت‌ها اشاره کرد. وی با اشاره به وضعیت پیش‌بینی شده برای سال ۱۴۰۵ گفت: وقتی حقوق کارگر در سال ۱۴۰۵ در حدود ۶۰ درصد افزایش یابد، قیمت‌ها نیز ۳۰ تا ۶۰ درصد افزایش می‌یابد. این یعنی یک سیکل معیوب که از اوایل انقلاب دنبال شده است.

عارف با اشاره به چالش‌های اجرای قانون، افزود: طبق قانون، افزایش حقوق‌ها باید متناسب با تورم باشد، اما این امر در عمل همواره با دشواری مواجه بوده است. وی مثال زد که حتی با ۲۰ درصد افزایش حقوق در سال جاری، تورم بالای ۶۰ درصد بوده است؛ موضوعی که نشان‌دهنده گسست میان سیاست‌های دستمزد و واقعیت‌های بازار است. با عبور از اظهارات کلی، وارد لایهٔ تحلیل علمی می‌شویم. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات در تشخیص ریشه تورم، نسبت دادن آن به افزایش دستمزد است. از نظر اقتصاد کلاسیک و مدرن، وقتی سهم دستمزد در بهای تمام‌شده تولید در ایران زیر ۱۰ درصد باشد، متهم کردن این سهم ناچیز به تورم، نه از نظر انصاف و نه از نظر علم اقتصاد، پذیرفتنی نیست. تورم در کشور محصول «انباشت نقدینگی در بخش‌های دیگر» است. افزایش قیمت‌ها ریشه در شوک‌های ارزی، ناترازی‌های بانکی و هزینه‌های تولید دارد؛ بنابراین، افزایش مزد تأثیری در ایجاد تورم ندارد، بلکه تنها قدرت خرید از دست رفته را به مردم بازمی‌گرداند.

**دیدگاه نمایندگان: ناترازی بانکی، عامل اصلی تورم**

در مجلس، نمایندگان با نگاهی دقیق‌تر به ریشه‌های پولی، این تناقض را به چالش کشیده‌اند. حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، بارد قاطعانه فرضیه «دستمزد-تورم»، اعلام کرد که منشأ اصلی رشد تورم، نرخ ارز است. صمصامی با انتقاد از رویکرد دولت گفت: دولتی‌ها اظهار می‌کنند افزایش حقوق به رشد پایه پولی منجر می‌شود، اما باید توجه داشت که بانک مرکزی از طریق افزایش نرخ ارز، تورم را به جامعه تحمیل می‌کند.

وی با اشاره به اینکه ناترازی بانک‌ها و اضافه‌برداشت آن‌ها از بانک مرکزی، عامل اصلی رشد نقدینگی است، افزود: چطور خرید میلیاردها دلار ارز توسط بانک‌ها تورم‌زا نیست، اما افزایش دستمزد متناسب با تورم تورم‌زا است؟ ما دچار یک تناقض بزرگ هستیم. وی در ادامه تأکید کرد: برای کنترل تورم، باید از «بدهی بانک‌ها» و «اضافه‌برداشت آن‌ها» جلوگیری کرد، نه اینکه با فریز کردن حقوق کارگران، سرمایه اجتماعی را از بین برد.

در لایهٔ نهایی، فعالان کارگری بر این باورند که افزایش دستمزد، تنها یک مطالبه معیشتی نیست، بلکه یک «نیاز تولیدی» است. سمیه گلپور، فعال کارگری، نیز در تحلیلی دستمزد را نه علت، بلکه «قربانی اصلی» تورم دانست. وی با اشاره به مطالعات بین‌المللی و سازمان‌های معتبر، تأکید کرد که پژوهش‌ها رابطه قطعی و تعیین‌کننده‌ای میان افزایش مزد و ایجاد تورم پیدا نکرده‌اند.

گلپور با طرح یک پرسش اساسی از دولت نوشت: «اگر در شش ماه گذشته که دستمزد کارگران کاملاً منجمد بود، تورم مهار نشد، این نشان می‌دهد که دستمزد نه علت تورم، بلکه قربانی آن است.» وی تأکید کرد که تورم ناشی از ناترازی‌های بانکی، کسری بودجه و شوک‌های ارزی است که در نهایت بر گرده کارگر فشار می‌آورد. محمدرضا تاجیک، فعال کارگری با نگاهی به چرخه اقتصاد، بر این نکته تأکید دارد که افزایش حقوق، برخلاف تصور رایج، مانعی برای تولید نیست. تاجیک در این باره گفت: افزایش دستمزد باعث افزایش قدرت خرید مردم شده و در نتیجه، تقاضا در بازار رونق می‌گیرد. وقتی تقاضا بالا برود، تولید نیز رونق می‌گیرد.

## ژئوپلیتیک گاز؛ فرصت‌ها و تهدیدهای همسایگی

مذاکرات راهبردی ایران و روسیه برای واردات گاز به مراحل حساسی رسیده است. این توافق ضمن کمک به رفع ناترازی داخلی، می‌تواند ایران را به هاب انرژی منطقه تبدیل کند.

موضوع واردات گاز از روسیه و استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی و سوآپ آن، این روزها دوباره به صدر اخبار حوزه انرژی بازگشته است. این در حالی است که بسیاری از تحلیل گران اقتصادی، این اقدام را نه یک ضرورت کوتاه‌مدت، بلکه فرصتی استراتژیک برای بازتعریف جایگاه ایران در بازار جهانی گاز می‌دانند.

ناترازی تولید و مصرف گاز در ایران که به‌ویژه در فصول سرد سال به چالش اصلی شرکت ملی گاز تبدیل می‌شود، نیازمند راهکارهای فوری و در عین حال زیربنایی است. در این میان، روسیه به عنوان دارنده بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان، به دلیل فشارهای ژئوپلیتیک و محدود شدن دسترسی اش به بازارهای اروپا، به دنبال بازارهای جدید در شرق و جنوب است.

این هم‌زمانی «نیاز ایران به مدیریت ناترازی» و «نیاز روسیه به بازارهای صادراتی» فرصتی کم‌نظیر را پدید آورده است. محمدصادق جوکار، رئیس موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی معتقد است که نباید این فرصت را با نگاه‌های تقلیل گرایانه یا بدبینی‌های تاریخی از دست داد. ظرفیت‌های صادراتی روسیه که پیش‌تر به اروپا اختصاص داشت، اکنون به دنبال مشتریان جدید است و اگر ایران فعالانه برای جذب این جریان گاز اقدام نکند، رقبای منطقه‌ای ممکن است گوی سبقت را بربایند.

استراتژی ایران در قبال گاز روسیه، صرفاً خرید گاز برای مصرف داخلی نیست؛ بلکه طراحی یک مدل تجاری هوشمند است. برخلاف تصور عمومی، جمهوری اسلامی به دنبال ترانزیت محض نیست، بلکه هدف اصلی، تجارت گاز (Gas Trading) است. به این معنا که گاز روسیه خریداری شده و سپس با برند و برنامه ایران به بازارهای هدف، به‌ویژه در جنوب آسیا صادر شود. این رویکرد دو مزیت کلیدی دارد؛ نخست آنکه ایران می‌تواند در زمانی که ظرفیت تولیدش برای پاسخگویی به همه تعهدات صادراتی کافی نیست، با تزریق گاز روسیه، سهم خود را در بازارهای بین‌المللی حفظ کند و دوم اینکه زیرساخت‌های فعلی ایران در صورت توسعه و پیوند با خطوط لوله روسیه، می‌تواند ایران را به «هاب گازی» تبدیل کند.

برای این منظور، استفاده از خط لوله CAC (آسیای مرکزی به مرکز) که در گذشته گاز ترکمنستان را به روسیه می‌برد، یکی از عملیاتی‌ترین مسیرهاست. با معکوس‌سازی (Reverse) جریان این خطوط، می‌توان گاز روسیه را از مسیر ترکمنستان به شبکه سراسری ایران متصل کرد.



# شکاف تورمی عمیق‌تر شد

گزارش

در مهرماه فشار هزینه‌ها بر خانوارهای روستایی و دهک‌های پایین بیشتر بود.

یکی از نکات قابل توجه در آمار تورم مهرماه ۱۴۰۵، تفاوت مسیر حرکت شاخص‌های سه‌گانه تورم است. تورم نقطه به نقطه با کاهش ۱٫۱ واحد درصدی به ۸۸٫۷ درصد رسیده، تورم ماهانه با افزایش ۰٫۲ واحد درصدی در سطح ۴٫۴ درصد قرار گرفته و تورم متوسط سالانه نیز با رشد ۳٫۲ واحد درصدی به ۷۶٫۸ درصد افزایش یافته است.

این تفاوت از آن جهت اهمیت دارد که کاهش تورم نقطه‌ای لزوماً به معنای کاهش قیمت‌ها یا حتی توقف فشار تورمی نیست. تورم نقطه‌ای تغییر قیمت‌ها نسبت به ماه مشابه سال قبل را نشان می‌دهد، در حالی که تورم ماهانه سرعت افزایش قیمت‌ها در یک ماه را اندازه‌گیری می‌کند؛ بنابراین، کاهش شاخص نقطه‌ای در کنار افزایش تورم ماهانه به معنای آن نیست که هزینه خرید کالاها و خدمات برای خانوارها کاهش یافته است.

از سوی دیگر، افزایش تورم متوسط سالانه نیز نشان می‌دهد آثار افزایش قیمت‌های ماه‌های گذشته همچنان در محاسبه میانگین ۱۲ ماهه منعکس می‌شود. به همین دلیل، حتی در صورت کاهش مقطعی تورم نقطه‌ای، تعدیل فشار تورمی در شاخص سالانه با تأخیر اتفاق می‌افتد.

**تغییر کانون تورم؛ خدمات و کالاهای غیرخوراکی جلوتر از خوراکی‌ها**

یکی از مهم‌ترین تحولات قابل استخراج از آمار مهرماه، تغییر وزن گروه‌های مختلف در افزایش قیمت‌هاست. تورم ماهانه کالاهای غیرخوراکی و خدمات به ۵٫۸ درصد رسیده، در حالی که تورم ماهانه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات ۲٫۴ درصد بوده است.

به این ترتیب، سرعت افزایش قیمت در گروه غیرخوراکی و خدمات بیش از دو برابر گروه خوراکی و آشامیدنی بوده است. این موضوع نشان می‌دهد در مهرماه فشار تورمی صرفاً در بازار مواد غذایی متمرکز نبوده و بخش قابل توجهی از افزایش هزینه خانوارها از محل خدمات و سایر کالاهای مصرفی شکل گرفته است.

در میان گروه‌های اصلی نیز آموزش با تورم ماهانه ۲۳٫۵ درصدی و حمل‌ونقل با ۱۰٫۷ درصد در صدر قرار گرفته‌اند. تورم بالای آموزش به‌ویژه از این جهت اهمیت دارد که هزینه‌های آموزشی در ابتدای سال تحصیلی می‌تواند به شکل قابل توجهی بر مخارج خانوارها اثر بگذارد.

همچنین رشد قیمت در گروه حمل‌ونقل می‌تواند از مسیر افزایش هزینه جابه‌جایی، بر هزینه تمام‌شده فعالیت‌های اقتصادی و درنهایت قیمت سایر کالاها و خدمات اثرگذار باشد. نکته مهم این است که بالا بودن تورم ماهانه در این دو گروه به‌تنهایی برای نتیجه‌گیری درباره تداوم همین نرخ در ماه‌های آینده کافی نیست؛ چراکه بخشی از افزایش هزینه‌های آموزشی می‌تواند ماهیت فصلی و مرتبط با آغاز سال تحصیلی داشته باشد. با این حال، استمرار افزایش هزینه خدمات می‌تواند به یکی از کانال‌های انتقال فشار تورمی به سبد مصرفی خانوارها تبدیل شود.

**شکاف ۲۱٫۵ واحد درصدی تورم شهر و روستا؛ توزیع نامتوازن فشار معیشتی**

دومین نکته مهم در آمار مهرماه، فاصله قابل توجه نرخ تورم میان خانوارهای شهری و روستایی است. تورم نقطه به نقطه خانوارهای روستایی به ۱۰۷ درصد رسیده، در حالی که این شاخص برای خانوارهای شهری ۸۵٫۵ درصد بوده است.

به بیان دیگر، نرخ تورم نقطه‌ای روستایی‌ها ۲۱٫۵ واحد درصد بیشتر از خانوارهای شهری است. این اختلاف نشان می‌دهد افزایش هزینه زندگی در مناطق روستایی با شدت بیشتری در شاخص قیمت‌ها منعکس شده است.

البته برای تحلیل دقیق‌تر این فاصله باید ترکیب سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی، سهم گروه‌های مختلف کالا و خدمات و تغییرات قیمت در هر یک از این گروه‌ها بررسی شود. صرف مشاهده اختلاف نرخ تورم برای تعیین علت آن کافی نیست. با این حال، ثبت تورم ماهانه ۴٫۶ درصدی برای خانوارهای روستایی در مقابل ۴٫۳ درصدی خانوارهای شهری نشان می‌دهد اختلاف تنها به مقایسه قیمت‌ها با سال گذشته محدود نیست و در تحولات ماهانه نیز خانوارهای روستایی افزایش قیمت بیشتری را تجربه کرده‌اند.

**دهک‌های پایین‌تر درگیر تورم بالاتر؛ فاصله ۱۱ واحدی با دهک دهم**

تفاوت تجربه تورمی خانوارها در مقایسه دهک‌های هزینه‌ای نیز قابل مشاهده است. بر اساس آمار مهرماه، دهک دوم با تورم سالانه ۸۵٫۸ درصدی بالاترین نرخ را در میان دهک‌ها داشته، در حالی که تورم سالانه دهک دهم ۷۴٫۸ درصد ثبت شده است. فاصله ۱۱ واحد درصدی میان این دو دهک نشان می‌دهد فشار افزایش قیمت‌ها به شکل یکسان میان گروه‌های مختلف هزینه‌ای توزیع نشده است. اهمیت این اختلاف زمانی بیشتر می‌شود که توجه کنیم تورم بالاتر برای دهک‌های پایین‌تر می‌تواند به معنای کاهش سریع‌تر قدرت خرید باشد؛ به‌ویژه اگر درآمد این خانوارها متناسب با افزایش هزینه‌های ضروری زندگی تعدیل نشود. با این حال، نرخ تورم بالاتر به‌تنهایی میزان کاهش رفاه هر دهک را مشخص نمی‌کند و برای چنین ارزیابی‌ای باید تغییرات درآمد، دارایی و ترکیب مخارج خانوارها نیز در نظر گرفته شود.

**کاهش تورم نقطه‌ای به معنای کاهش هزینه زندگی نیست**

درمجموع، داده‌های مهرماه نشان می‌دهد ارزیابی وضعیت تورمی صرفاً با تکیه بر یک شاخص نمی‌تواند تصویر کاملی از شرایط اقتصادی خانوارها ارائه کند. کاهش محدود تورم نقطه‌ای در کنار افزایش تورم ماهانه و متوسط سالانه، از تداوم افزایش قیمت‌ها حکایت دارد. از طرف دیگر، پیشتازی گروه خدمات و کالاهای غیرخوراکی، تورم بالاتر خانوارهای روستایی و اختلاف نرخ تورم میان دهک‌های هزینه‌ای نشان می‌دهد فشار تورمی از نظر نوع مخارج و گروه‌های جمعیتی نیز یکسان نیست. در چنین شرایطی، علاوه بر رصد نرخ عمومی تورم، بررسی تغییرات قیمت در گروه‌های اصلی مصرفی و میزان انطباق رشد درآمد خانوارها با هزینه‌های زندگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه درنهایت آنچه وضعیت معیشتی را تعیین می‌کند، صرفاً تغییر یک شاخص آماری نیست، بلکه نسبت میان درآمد قابل تصرف و هزینه واقعی تأمین سبد مصرفی خانوار است.

> **افزایش تورم متوسط سالانه نیز نشان می‌دهد آثار افزایش قیمت‌های ماه‌های گذشته همچنان در محاسبه میانگین ۱۲ ماهه منعکس می‌شود. به همین دلیل، حتی در صورت کاهش مقطعی تورم نقطه‌ای، تعدیل فشار تورمی در شاخص سالانه با تأخیر اتفاق می‌افتد**

# جشن گرفتن همتی برای یک عقب‌نشینی کوچک؟



رئیس کل بانک مرکزی کاهش ۰.۷ واحد درصدی رشد سالانه نقدینگی را نشانه پیشرفت سیاست‌های کنترلی می‌داند، اما وقتی این شاخص همچنان بالای ۵۰ درصد است و تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۸.۷ درصد رسیده، آیا می‌توان از مهار نقدینگی و موفقیت سیاست پولی سخن گفت؟

به گزارش خبرگزاری دانشجو، عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در تازه‌ترین اظهارات خود از کاهش رشد سالانه نقدینگی به ۵۰.۹ درصد در مهرماه خبر داده است. رقمی که نسبت به شهریورماه ۰.۷ واحد درصد کاهش داشته است. او همچنین اعلام کرده رشد نقدینگی در هفت ماه ابتدایی سال جاری به ۲۴ درصد رسیده و این متغیر تنها در مهرماه ۲.۷ درصد افزایش یافته است.

رئیس کل بانک مرکزی این روند را در چارچوب تلاش برای کنترل انتظارات تورمی و مهار نقدینگی ارزیابی کرده و از افزایش کارایی تسهیلات بانکی و گسترش تأمین مالی زنجیره‌ای برای حمایت از تولید سخن گفته است. با این حال، بررسی روند متغیرهای پولی و شاخص‌های تورمی نشان می‌دهد فاصله میان کاهش محدود نرخ رشد نقدینگی و مهار واقعی فشارهای پولی همچنان قابل توجه است. مسئله اینجاست که کاهش چنددهم واحد درصدی یک شاخص، به‌تنهایی نمی‌تواند معیار مناسبی برای ارزیابی عملکرد بانک مرکزی باشد. برای سنجش موفقیت سیاست پولی باید دید حجم نقدینگی با چه سرعتی افزایش یافته، وضعیت پایه پولی و ناترازی بانک‌ها چگونه است و این سیاست‌ها چه اثری بر تورم و قدرت خرید خانوارها گذاشته‌اند.

**کاهش ۰.۷ واحد درصدی رشد نقدینگی، جشن گرفتن برای یک عقب‌نشینی کوچک؟**

همتی اعلام کرده رشد سالانه نقدینگی از ۵۱.۶ درصد در شهریور به ۵۰.۹ درصد در مهرماه رسیده است. این کاهش ۰.۷ واحد درصدی در شرایطی مطرح می‌شود که رشد نقدینگی همچنان در سطحی بالاتر از ۵۰ درصد قرار دارد. برای درک بهتر این عدد باید به روند سال‌های گذشته نگاه کرد. رشد نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۳ حدود ۲۹.۱ درصد بود، اما در پایان سال ۱۴۰۴ به ۵۳.۳ درصد رسید. به این ترتیب، نرخ رشد نقدینگی در یک سال ۲۴.۲ واحد درصد افزایش یافت. اکنون اگرچه نرخ رشد سالانه نسبت به ماه قبل اندکی کاهش پیدا کرده، اما هنوز فاصله زیادی با سطوح پیشین دارد؛ بنابراین این کاهش را می‌توان نشانه‌ای از کند شدن محدود شتاب رشد نقدینگی دانست، نه اثبات مهار آن. نکته مهم‌تر اینکه کاهش نرخ رشد به معنای کاهش حجم نقدینگی نیست. وقتی نقدینگی با نرخ سالانه ۵۰.۹ درصد رشد می‌کند، حجم پول و شبه‌پول همچنان در حال افزایش است و تنها سرعت افزایش آن نسبت به دوره مشابه سال قبل اندکی تغییر کرده است.

**نقدینگی در مهرماه هم ۲.۷ درصد افزایش یافت**

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اظهارات همتی، اعلام رشد ۲.۷ درصدی نقدینگی در مهرماه است. رئیس کل بانک مرکزی گفته است مجموع رشد نقدینگی در هفت ماه ابتدایی سال ۱۴۰۵ به ۲۴ درصد رسیده است. این دو عدد نشان می‌دهند کاهش رشد سالانه نقدینگی نباید با توقف افزایش حجم آن اشتباه گرفته شود. درواقع، نقدینگی در مهرماه نیز افزایش یافته و مجموع افزایش آن از ابتدای سال به ۲۴ درصد رسیده است. این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا کاهش نرخ رشد نقطه‌به‌نقطه تنها یکی از ابعاد تحولات پولی است. برای ارزیابی دقیق‌تر عملکرد بانک مرکزی باید مشخص شود این افزایش حجم نقدینگی از چه محل‌هایی تأمین شده، چه میزان آن ناشی از رشد پایه پولی بوده و چه سهمی از آن به خلق اعتبار در شبکه بانکی مربوط می‌شود.

بانک مرکزی نمی‌تواند صرفاً با اشاره به کاهش نرخ رشد سالانه، از کنار افزایش مستمر حجم نقدینگی عبور کند. آنچه برای اقتصاد اهمیت دارد، کنترل پایدار رشد این متغیر و جلوگیری از تبدیل آن به فشارهای تورمی بیشتر است.

**کارنامه ۱۴۰۴، نقدینگی از ۲۹ به بیش از ۵۳ درصد رسید**

یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش عملکرد بانک مرکزی، مقایسه وضعیت متغیرهای پولی در دوره‌های مختلف است. بر اساس آمارهای منتشرشده از تحولات پولی، رشد نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۳ معادل ۲۹.۱ درصد بود. این رقم در پایان سال ۱۴۰۴ به ۵۳.۳ درصد رسید. همچنین رشد پول، به‌عنوان یکی از اجزای نقدینگی که نقدشوندگی بالاتری دارد، از ۳۷.۵ درصد در پایان ۱۴۰۳ به ۵۱.۸ درصد در پایان ۱۴۰۴ افزایش یافت. رشد شبه‌پول نیز از ۲۶.۴ درصد به ۵۳.۸ درصد رسید. این ارقام نشان می‌دهد مسئله فقط افزایش حجم نقدینگی نبوده، بلکه رشد اجزای مختلف آن نیز شتاب گرفته است. البته شرایط خاص اقتصادی، جنگ‌های سال ۱۴۰۴، فشارهای مالی دولت و ضرورت تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها از عوامل اثرگذار بر افزایش متغیرهای پولی بوده‌اند. بانک مرکزی نیز می‌تواند این شرایط را در توضیح عملکرد خود مطرح کند، اما این عوامل ضرورت پاسخ‌گویی دقیق‌تر درباره منشأ رشد نقدینگی و اثربخشی ابزارهای کنترلی را از بین نمی‌برند.

**تورم ۸۸.۷ درصدی، روایت موفقیت بانک مرکزی را زیر سؤال می‌برد**

شاید مهم‌ترین پرسش از رئیس کل بانک مرکزی این باشد که کاهش محدود رشد نقدینگی تا چه اندازه در زندگی اقتصادی مردم اثرگذاشته است؟ براساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌به‌نقطه در مهرماه ۱۴۰۵ به ۸۸.۷ درصد رسیده است. تورم سالانه نیز ۷۶.۸ درصد و تورم ماهانه ۴.۴ درصد اعلام شده است. به بیان ساده، خانوارها برای خرید مجموعه کالاها و خدمات مصرفی در مهرماه، به‌طور متوسط ۸۸.۷ درصد بیشتر از مهرسال گذشته هزینه کرده‌اند. البته تورم نقطه‌به‌نقطه نسبت به شهریورماه ۱.۱ واحد درصد کاهش داشته است. این اتفاق را نمی‌توان نادیده گرفت، اما کاهش تورم نقطه‌ای به معنای کاهش سطح قیمت‌ها نیست. در همان مهرماه، قیمت‌ها به‌طور متوسط ۴.۴ درصد نسبت به ماه قبل افزایش یافته‌اند. به عبارت دیگر، سرعت افزایش قیمت‌ها در مقایسه سالانه اندکی کاهش یافته، اما خانوارها همچنان با افزایش قابل توجه هزینه‌های زندگی روبه‌رو هستند. از سوی دیگر، نباید تمام تورم را صرفاً به رشد نقدینگی نسبت داد. نرخ ارز، انتظارات تورمی، شوک‌های عرضه، هزینه تولید و سیاست‌های مالی دولت نیز بر قیمت‌ها اثر دارند. با این حال، همین شرایط ضرورت هماهنگی سیاست پولی و مالی و پاسخ‌گویی بانک مرکزی را دوچندان می‌کند.

**ناترازی بانک‌ها، چرا بانک مرکزی هنوز مهارشان نکرده است؟**

بخش قابل تأمل دیگر اظهارات همتی، اشاره او به ناترازی برخی بانک‌هاست. رئیس کل بانک مرکزی گفته است ناترازی این بانک‌ها بخشی از تلاش‌های بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی را کند کرده و برنامه‌های اصلاحی برای آن‌ها در دستور کار قرار دارد.

این توضیح از یک جهت اهمیت دارد، زیرا ناترازی بانک‌ها و اضافه‌برداشت آن‌ها می‌تواند از مسیر افزایش پایه پولی و گسترش خلق اعتبار، فشار مضاعفی بر متغیرهای پولی وارد کند.

اما پرسش اصلی اینجاست که چرا ناترازی بانک‌ها همچنان یکی از موانع جدی کنترل نقدینگی است؟

بانک مرکزی صرفاً مسئول اعلام آمارهای پولی نیست. نظارت بر عملکرد بانک‌ها، کنترل اضافه‌برداشت‌ها، اعمال محدودیت‌های قانونی و برخورد با بانک‌های متخلف نیز از وظایف مهم این نهاد است. وقتی رئیس کل بانک مرکزی از ناترازی بانک‌ها به عنوان مانع کنترل نقدینگی نام می‌برد، باید مشخص کند چه میزان از رشد پایه پولی و نقدینگی ناشی از عملکرد همین بانک‌ها بوده، چه اقداماتی برای اصلاح ترازنامه آن‌ها انجام شده و این اصلاحات در چه زمانی به نتیجه خواهد رسید. ارجاع مشکل به ناترازی بانک‌ها بدون ارائه جزئیات اقدامات اصلاحی و زمان‌بندی مشخص، نمی‌تواند پاسخ کاملی درباره عملکرد نهاد ناظر پولی باشد.

**حمایت از تولید یا تداوم خلق نقدینگی؟**

همتی همچنین از تلاش بانک مرکزی برای کارا‌تر کردن تسهیلات بانکی و گسترش تأمین مالی زنجیره‌ای سخن گفته است. رویکردی که در صورت اجرای درست می‌تواند به کاهش فشار بر منابع بانکی و تأمین هدفمند سرمایه در گردش بنگاه‌ها کمک کند.

اما تأمین مالی تولید زمانی یک دستاورد محسوب می‌شود که علاوه بر افزایش دسترسی بنگاه‌ها به منابع، آثار آن بر بهره‌وری، تولید واقعی و ثبات پولی نیز مشخص باشد.

صرف افزایش تسهیلات پرداختی یا تأمین مالی زنجیره‌ای، به‌تنهایی نشانه موفقیت سیاست اعتباری نیست. اگر منابع جدید بدون افزایش متناسب تولید و ارزش افزوده وارد اقتصاد شوند، می‌توانند به فشارهای تورمی دامن بزنند. بانک مرکزی باید روشن کند چه سهمی از تسهیلات پرداختی واقعاً به افزایش ظرفیت تولید منجر شده و چه میزان صرف تمدید بدهی‌ها، جبران کمبود نقدینگی بنگاه‌ها یا پوشش هزینه‌های جاری شده است.

## وام‌های اشتغال به کاهش فقر منجر نشد

تسهیلات اشتغال حمایتی باوجود تداوم تخصیص منابع، به افزایش معنادار اشتغال و درآمد دهک‌های پایین منجر نشده است. در سال‌های گذشته تمرکز اصلی دستگاه‌های متولی بر جذب و پرداخت تسهیلات بوده، درحالی که شاخص‌هایی مانند ایجاد اشتغال پایدار، افزایش درآمد خانوارهای محروم و کاهش فقر در ارزیابی عملکرد آنها جایگاه مشخصی نداشته است.

تسهیلات اشتغال حمایتی با هدف ایجاد درآمد برای خانوارهای آسیب‌پذیر و توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد، هرسال در قالب منابع قرض‌الحسنه و تسهیلات تکلیفی در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شود. اجرای این سیاست نیز به نهادهایی از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، بنیاد برکت، بنیاد مستضعفان، بسیج سازندگی و بنیاد علوی سپرده شده است. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد تغییرات مکرر در ساختار اجرایی، حجم منابع، نهادهای متولی و شیوه توزیع تسهیلات، به اصلاح نقاط ضعف این سیاست منجر نشده است. به اعتقاد تدوین‌کنندگان گزارش، ترکیب منابع ارزان‌قیمت با رویکرد حمایتی، رقابت میان نهادها برای جذب اعتبارات را افزایش داده و در مقابل، شفافیت عملکرد و امکان ارزیابی نتایج را کاهش داده است.

**توزیع منابع بدون توجه کافی به محرومیت استان‌ها**

یکی از مهم‌ترین ایرادهای مطرح شده در این گزارش، نبود ارتباط روشن میان میزان محرومیت استان‌ها و سهم آنها از منابع اشتغالزایی است. بررسی عملکرد استانی نشان می‌دهد تخصیص منابع متناسب با شدت محرومیت مناطق انجام نشده و حتی رابطه معکوسی میان شاخص فقر چندبعدی و عملکرد جذب تسهیلات در استان‌ها وجود داشته است. براین اساس، مناطق فقیرتر در مواردی سهم کمتری از منابع اشتغالزایی دریافت کرده‌اند؛ مسئله‌ای که می‌تواند به تداوم و تشدید محرومیت در این مناطق منجر شود. گزارش همچنین تأکید می‌کند میزان تعامل مقامات استانی با نهادهای عمومی غیردولتی در عملکرد جذب منابع مؤثر بوده و این موضوع نشان‌دهنده نبود معیارهای شفاف و یکسان در تخصیص اعتبارات است. از سوی دیگر، سهم هریک از نهادهای حمایتی در بسیاری از سال‌ها بدون مشخص بودن مبنای دقیق تقسیم منابع تعیین شده است. این در حالی است که نهادهای مختلف از نظر ساختار، ظرفیت اجرایی و گروه‌های هدف با یکدیگر تفاوت دارند و تخصیص منابع بدون توجه به این تفاوت‌ها، زمینه تداخل وظایف و فعالیت‌های جزیره‌ای را فراهم کرده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس برای ارزیابی آثار این سیاست، وضعیت اشتغال و درآمد خانوارها را نیز بررسی کرده است. مطابق داده‌های مورد استفاده در گزارش، متوسط تعداد افراد شاغل در خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ افزایش اندکی داشته، اما این شاخص هنوز به سطح پیش از شیوع کرونا بازنگشته است. همچنین متوسط تعداد خانوارهای فاقد فرد شاغل در تمامی دهک‌های درآمدی روندی افزایشی داشته است؛ موضوعی که از تداوم مشکلات بازار کار و افزایش آسیب‌پذیری خانوارها حکایت دارد.

بررسی درآمد حاصل از مشاغل آزاد نیز نشان می‌دهد درآمد دهک‌های پایین به مراتب کمتر از دهک‌های بالاتر است و رشد آن نیز از سایر گروه‌های درآمدی عقب مانده است. گزارش این وضعیت را در کنار افت شدید درآمد مشاغل در دوره کرونا، نشانه‌ای از کیفیت پایین و ناپایداری بخشی از مشاغل ایجادشده ارزیابی می‌کند. در حوزه مشاغل خانگی نیز تزریق تسهیلات به‌تنهایی نتوانسته روندی پایدار در افزایش درآمد ایجاد کند. درآمد حقیقی این مشاغل در سال ۱۴۰۱ افزایش قابل توجهی داشته، اما بخش مهمی از این رشد در سال ۱۴۰۲ از بین رفته است. به همین دلیل، گزارش تأکید می‌کند توسعه مشاغل خانگی به عواملی فراتر از تأمین مالی، از جمله شناسایی رسته‌های مناسب، آموزش، بازاریابی و تکمیل زنجیره ارزش نیاز دارد.